انترناسیونال ۶۴۲

**مضحکه انتخابات رژیم و هیاهو بر سر آن**

**شهلا دانشفر**

دهمین دوره انتخابات مجلس اسلامی و پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان در ماه اسفند انجام میشود. از هم اکنون جنگ و نزاع در میان باندهای مختلف حکومتی بر سر گرفتن کرسی های قدرت بالا گرفته است. کار به جایی رسیده است که یکدیگر را تهدید جانی میکنند و خامنه ای با وحشت نسبت به خطر "نفوذ آمریکا" در خبرگان هشدار میدهد و اشاره اش به کسانی از خانواده خمینی و جناح رفسنجانی و روحانی است. در عین حال یک گوشه چشم همه شان نیز به فضای جامعه ای است که از اعتراض میجوشد و این چیزی است که کل دار و دسته های حکومتی از آن وحشت دارند. همه این اتفاقات به مضحکه انتخاباتشان رنگ ویژه ای داده و اوضاع را نسبت به گذشته متفاوت کرده است. جدال بر سر توافق یا عقب نشینی هسته ای یک عرصه تشدید بیسابقه جنگ و دعواهاست. چرا که برجام بالانس قدرت در بالای حکومت را به درجه ای تغییر داده است و هر طرف به فکر بالاکشیدن دار و دسته خود و تصاحب بخش بیشتری از قدرت است. از جمله بحث بر سر نظارت بر رهبری در میان رفسنجانی و طرفدارانش با اصولگرایان جدی تر از هر وقت بالا گرفته است. دلیلش نیز این است که برنده شدن در این بحث برای هر کدام، بالانس قدرت را بطور کلی تغییر میدهد.

در این آشفته بازار رسانه های دولتی، اصلاح طلبان حکومتی، جریانات راست استحاله چی توده ای و اکثریتی و رسانه هایی چون بی بی سی نیز مشغول داغ کردن تنور انتخاباتند. مردم نیز که سی و چند سال است زیر چنگ بختک حکومت اسلامی زندگی کرده اند، همچون دوره های قبل فعلا نظاره گر سیرک مسخره انتخابات هستند. اما چیزی که شاهدیم گسترش بیسابقه اعتراضات هر روزه کارگران و بالاگرفتن فضای اعتراض در جامعه است. انتخاب واقعی مردم پایان دادن به بختک جمهوری اسلامی و خلاصی از این جهنم است.

**چگونه میکوشند تنور انتخابات را داغ کنند**

توافق هسته ای اوضاع را متفاوت کرده است. یک محور اصلی تبلیغات بعد از برجام این است که با لغو تحریم ها وضع اقتصاد بهتر خواهد شد. سرمایه گذاری ها بیشتر شده و بازار رکود کار بهبود خواهد یافت و غیره. واکنون همین بحث خوراک تبلیغی جناح روحانی- رفسنجانی و اصلاح طلبان حکومتی برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای شده است.

بویژه داغ شدن تنور انتخاباتی برای دولت اهمیت جهانی نیز دارد و میکوشد که در دل این هیاهوی تبلیغاتی به غرب و جهانیان چنین نشان دهد که اوضاع رو به بهبود است و میتواند امیدی برای جذب سرمایه گذاران باشد.

اما خارج از این جنجال و هیاهو، اوضاع آنقدر خراب است که هنوز چیزی از برجام نگذشته بود که هشدارها بر سر رکود اقتصادی و خطر تبدیلش به بحران بالا گرفت. طرح شش ماهه خروج از بحران در دستور دولت قرار گرفت. اقتصاد مقاومتی محور بحث هایشان شد و بسیاری از مردم حتی اگر اندک باوری به گشایشی داشتند، خیلی زود باورشان را از دست دادند .

علیرغم همه اینها جریانات اصلاح طلب حکومتی و راست میکوشند با تبلیغات خود در میان مردم این بیم را بوجود آورند که اگر در رای گیری شرکت نکنند، اگر فرضا باندهای اصولگرا دست بالا پیدا کنند، اوضاع بدتر هم خواهد شد. تا بلکه بدینوسیله زمینه را برای کشاندن بیشتر مردم به پای صندوق های رای فراهم سازند و باردیگر به این رژیم و مضحکه هایش مشروعیت بخشند. و از جمله رسانه آبرو باخته ای چون بی بی سی با برپایی میزدگردهایی به این بحث ها دامن میزند.

وظیفه ماست که پاسخ همه این مزخرفات را بدهیم.

تا آنجا که به بحث هایشان بر سر گشایش اقتصادی و غیره نیز مربوط است ما بارها نوشته ایم و توضیح داده ایم که اقتصاد بحران زده جمهوری اسلامی راه علاجی ندارد. ریشه این بحران سیاسی است. جمهوری اسلامی با بحران زاده شده است و تحریم ها فقط بر وخامت اوضاع اقتصادی شدت داده است و این وسط مردم قربانی شده اند. بعلاوه حتی اگر تحریم ها نیز کنار رود و پولهای بلوکه شده ایران باز گردد، باز قرانی نصیب مردم نخواهد شد. و این پولها باز سر از حساب دزدهای حکومتی در خواهد آورد و صرف دستگاه سرکوب و جنایتشان خواهد شد.

یک امید دولت روحانی جذب سرمایه های داخلی و خارجی است تا مفری برای اقتصاد به گل نشسته شان پیدا کند. برای اجرای این سیاست، و برای تشویق سرمایه گذاران به سرمایه گذاری، سیاست ریاضت اقتصادی را تشدید کرده و در کنارش سرکوب بیشتر کارگران و کل جامعه را در دستور گذاشته است. اما اتخاذ این سیاست ها نیز راه نجاتی برای حکومت نیست. چون موانع پایه ای تر و اساسی تری بر سر راه این حکومت است. یکی از این موانع ساختار مافیایی اقتصاد جمهوری اسلامی و دزدی ها و رانت خواری های باندهای مختلف حکومتی است و در کنار همه اینها سقوط قیمت نفت که یک رکن اصلی اقتصاد ایران است به بشکه ای ٣٠ دلار، اقتصاد جمهوری اسلامی را به مرز تلاشی کشانده است. و این اوضاع به فضای اعتراضی در میان کارگران و کل جامعه بیشتر دامن زده است.

اینها هم فاکتهایی عینی است که پوچی کل تبلیغات بر سر چیزی به اسم "شکوفایی اقتصادی" و غیره را که چاشنی تبلیغات انتخاباتی کل جریانات اصلاح طلب است را نشان میدهد.

**"تغییر چهره مردانه مجلس"**

نمونه ای از تلاش برای داغ کردن تنور انتخابات، کمپینی است که تحت عنوان "تغییر چهره مردانه مجلس" از سوی اصلاح طلبان دوم خردادی به راه افتاده است. این کمپین هدف خود را تخصیص ٥٠ کرسی مجلس شورای اسلامی برای "زنان برابری طلب" اعلام کرده است. بر پا کردن چنین کمپینی در حکومتی که اساس قوانینش بر پایه اسلامی و ضدیت با زن گذاشته شده است، در حکومتی که زن از پایه ای ترین حقوق اجتماعی چون حق انتخاب همسر، طلاق، مسافرت، پوشش، نگاهداری از فرزند، رفتن به استادیوم های ورزشی و ... محروم است، یک طنز بزرگ تاریخ است. و بر کسی پوشیده نیست که هدف آشکار این کمپین داغ کردن تنور انتخابات و مشروعیت دادن به حکومتی است که اساسش بر آپارتاید جنسی و ضدیت با زن بنا شده است.

**سندیکالیست های راست چه میگویند؟**

هیاهو بر سر مضحکه انتخابات و بازار گرمی برای آن از سوی جریانات مختلف اصلاح طلبان دوم خردادی و سندیکالیست های راست، در گروهها و کانال های تشکیل شده در مدیای اجتماعی و بطور مثال در تلگرام نیز داغ است. یک نمونه اش بحث و گفتگویی است که همین روزها در یکی از کانالهای تلگرام با یکی از همین دست افراد بنام مازیار گیلانی نژاد از اعضای هیات مدیره سندیکای فلزکار مکانیک گذاشته شده بود. او نشان داده و در صحبت هایش در همین گفتگو نشان میدهد که از همین جنس سندیکالیستهاست. او میگوید:

"بارها به دوستان گفته‌ام که سندیکاهای کارگری در صورتی در انتخابات شرکت می‌کنند که یا نماینده‌ای از سندیکاهای کارگری برای دفاع از برنامه‌ها و خواست‌های صنفی و اجتماعی آنان با شعارهای مشخص کاندیدا شود یا احزاب طبقهٔ کارگر و کوشندگانش نماینده‌ای را به این منظور معرفی کنند. در این صورت است که سندیکاها فعالانه در انتخابات شرکت می‌کنند، چون که می‌توانند در صورت تخلّف نمایندگانشان یا عمل نمایندگانشان برخلاف تعهدی که داده‌اند، از رأیشان صیانت کنند و در یک بازخوانی، آرایشان را از نمایندگان متخلّف پس بگیرند و با جمع‌آوری امضا آنها را خلع کنند. این یکی از دستاوردهایی است که کارگران جهان از زمان کمون پاریس توانسته‌اند به دست بیاورند، و بسیار مهم است، و از آن چون مردمک چشم پاسداری می‌کنند".

مردم برای سرنگونی جهنمی که سی و چند سال است حکومت اسلامی بر پا کرده روزشماری میکند، مازیار گیلانی با توهم به اینکه گویا مجلس اسلامی و خبرگان باید جایی باشد که خواستهای کارگر را در آنجا طرح کرد، برای شرکت یا تحریم نمایشی به اسم انتخابات شرط و شروط تعیین میکند و آنچنان مشروعیتی به کل این سیستم میدهد که این گفته خود را به کمون پاریس وصل میکند.

جالب اینجاست که در بخش دیگری از صحبتهایش همانطور که در نوشته های قبلی اش کارگران را به بیعت با قانون اساسی فراخوانده بود، به قانون کار و فصل سوم قانون اساسی به عنوان فصلی که در آن "حقوق ملت" آمده است، صحبت کرده و گلایه اش اجرایی نشدن آنها است که به زعم وی آنهم با قدرت کارگران سندیکاهای کارگری ممکن خواهد بود. کمون پاریس برای مازیار گیلانی اجرایی شدن قوانین ارتجاعی اسلامی است! قوانینی که در آن کارگر از ساده ترین حقوقش چون حق تشکل و اعتصاب و تجمع و آزادی بدون قید و شرط سیاسی محروم است. قوانینی که اساسش بر اسلام و تبعیض جنسیتی و ضدیت با کارگر بنا شده است.

بدنبال این سوالات است که وقتی از وی سوال میشود که اگر هیچیک از کاندیدا های انتخابات، در رابطه با منافع طبقه کارگر، رویکرد مطلوب سندیکا را نداشته باشد، باز هم تمایلی به شرکت در انتخابات دارد. پاسخ میدهد که آنها اگر نتوانند از رای خود صیانت کنند پای صندوق نخواهند رفت، و سپس از حسین موسوی به عنوان یک نمونه ای که در منشورش از کارگر دفاع کرده یاد میکند. البته حق با مازیار گیلانی است. چون پلاتفرم موسوی بازگشت به دوره امام خمینی و اجرای قانون اساسی بود و این پلاتفرم مازیار گیلانی و طیفی از نیروهای سیاسی شناخته شده یعنی طیف توده ای نیز هست و این پلاتفرم حفظ نظام اسلامی است.

در ادامه همین صحبت هاست که او میگوید: "اگر ما نمایندگانی داشته باشیم که در این فرایند شرکت کنند چه تایید صلاحیت بشوند و چه رد، کار ما این است که از فضای بدست آمده حسن استفاده را کرده و به میان مردم برویم و خواسته هایمان را مطرح کنیم و با روشنگری هم بذر آگاهی را در میان مردم بپاشیم و هم سطح مطالبات را بالا ببریم. اگر حقمان را هم ضایع کنند تردید نکنید که از همه نیرویمان برای صیانت از تضیع حقوقمان بهره خواهیم گرفت". و بعد با نقد اینکه خانه کارگر و احزابی چون حزب اسلامی که در مجلس اسلامی به عنوان نمایندگان کارگران شرکت دارند، تشکلهایی مذهبی هستند، صحبت از این میکند که اگر "نماینده سندیکایی" در مجلس حضور داشت اوضاع فرق میکرد.

اما سوال از مازیار گیلانی اینست که مگر نه بحث بر سر انتخابات در مجلسی است که اسلامی است. اساس قوانینش بر اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی است. در چنین چهارچوبی "نماینده سندیکایی" ایشان قرار است چه بکند؟ باید از ایشان پرسید که آیا این چیزی جز حفظ این نظام و ساختارهایش و داغ کردن تنور انتخابات است؟

مازیار گیلانی یک نمونه است. که صحبت های او بیش از بیش نقش چنین جریاناتی را در تقابل با کارگران نشان میدهد.

**پاسخ کارگران و مردم به مضحکه انتخابات**

مردم آزادی میخواهند. مردم برابری میخواهند. مردم فقر و تبعیض و استثمار نمیخواهند. مردم اعدام و سرکوب و جهنمی که رژیم اسلامی بر پا کرده را نمیخواهند. مردم حکومت اسلامی را با کلیه قوانین و دستگاه قضایی و کل بساطش نمیخواهند. خواست واقعی مردم جارو شدن کل این بساط توحش داعش ایران است. مردم این را در اعتراضات هر روزه شان دارند بیان میکنند. و امروز با جامعه ای روبروییم که از اعتراض و مبارزه به حد انفجار رسیده است. به اعتراضات کارگری در همین هفته اخیر نگاه کنید، هزاران کارگر در عسلویه و در پتروشیمی ها، زنجیره اعتراضات کارگری در معادن کرمان و دیگر معادن، اعتراضات کارگران مترو تهران، کنتورسازی قزوین، بازنشستگان صنعت فولاد و دهها و صدها اعتراض کارگری دیگر در شهرهای مختلف تصویر روشنی از حال و هوای امروز جنبش اعتراض کارگری بدست میدهد. و این اعتراضات بر متن کل فضای اعتراضی جامعه یک عرصه فعال به چالش کشیدن حکومت اسلامی است. حرف واقعی کارگران در این اعتراضات نه به جمهوری اسلامی و مضحکه انتخاباتش است. بیش از هزار نفر در تجمع مالباختگان پدیده شاندیز در مقابل وزارت کشور در تهران با شعار "مالباخته پدیده به هیچ کاندیدی رای نمیده"، بیان روشن اعتراضات کارگران و مردم در سراسر کشور است.

**ما چه میگوییم؟ چه باید کرد؟**

ما کل این مضحکه انتخابات را قبول نداریم. حرف همیشه ما این بوده که باید این بساط مضحکه انتخابات را روی سرشان خراب کرد. و اگر این مضحکه است، حتی صحبت کردن از تحریم به نوعی جدی گرفتن نمایشی است که اسمش را انتخابات گذاشته اند. بعلاوه اینکه ما نمیخواهیم پاسیو و نظاره گر باشیم. بنابراین پاسخ ما به این مساله اعتراض است. پاسخ ما کنار زدن هر گونه تبلیغاتی است که با تشویق مردم به شرکت در رای گیری میکوشد برای کل این حکومت مشروعیت بخرد. از نظر ما هر چه بیشتر مردم در این نمایشات شرکت کنند، دشمن خود را قویتر کرده اند و شرکت در این مضحکه بشدت به زیان مردم است.

باید فعالانه در مباحثی که در مدیای اجتماعی و در کوچه و خیابان و همه جا بپاست شرکت کنیم و با افشای تبلیغات پوچ جریانات اصلاح طلب و توده ایستی و راست بساط تبلیغاتی شان را به هم زنیم. هر کجا که کاندیدهای انتخاباتی برنامه تبلیغاتی میگذارند، تجمعات آلترناتیوی خود را به پا کنیم و با بدست گرفتن خواستها و مطالباتمان چون خواست بیمه بیکاری برای همه، کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، نه به اعدام، برابری زن و مرد، معیشت منزلت حق مسلم ماست، خواستهای معلمان برحق است، دستمزدها باید در قدم اول به رقم بالای خط فقر افزایش یابد، اخراج متوقف و غیره و غیره بساط انتخاباتی شان را مختل کنیم.

بوِیژه در شرایطی که جنگ و نزاعشان چنین بالا گرفته است، بهترین فرصت است که اعتراضاتمان را در تمام عرصه ها گسترش دهیم. گسترش اعتراضات کارگری، پیگیری خواستهای معلمان و پرستاران، گسترش اعتراضات بازنشستگان، اعتراض در دانشگاهها و در مقابل قوانین ارتجاعی اسلامی، ایستادن در مقابل سرکوبگری های رژیم، حمایت از مبارزات یکدیگر همه و همه پاسخ درخور ما به این رژیم و مضحکه انتخاباتش است.

مدیای اجتماعی میدان وسیع و مناسبی برای به راه انداختن همه این گفتمان ها و تدارک اعتراضات گسترده ما مردم است. باید این فرصت را دریافت.

سخن آخر اینکه "انتخابات" مقطعی است گذرا و جمهوری اسلامی ممکن است به هر شکلی آنرا از سر بگذراند و بخشی از مردم هم به اشتباه در آن شرکت کنند. مساله اینجاست راه ما گسترش مبارزاتمان و سرنگونی این حکومت و جمع کردن کل این بساط سرکوب و جنایت و ساختن جامعه ای آزاد، برابر و انسانی است. ساختن جامعه ای سوسیالیستی که اساسش انسان است.